

## دکتر دانیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه ۳۲، عیسی در اورشلیم، بخش ۲، شام آخر و خیانت، لوقا ۲۲: ۱-۵۳

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دانیل کی. دارکو هستم در حال تدریس در مورد انجیل لوقا. این جلسه ۳۲، عیسی در اورشلیم، بخش ۲، شام آخر و خیانت، لوقا ۲۲: ۱-۵۳ است.

به مجموعه سخنرانی‌های آموزش الکترونیکی کتاب مقدس در مورد انجیل لوقا خوش آمدید.

تا اینجا، ما شاهد آمدن عیسی به اورشلیم و مدتی تدریس در معبد بوده‌ایم. دیدیم که او با رهبران معبد در مورد مسائل مختلف بحث‌های عمومی می‌کرد و در فصل ۲۱، شاهد پیش‌بینی عیسی از وقایع آینده، یعنی درباره معبد، جهان، آمدن پسر انسان و موارد مشابه بودیم. اکنون، در این سخنرانی، شاهد خدمت عیسی هستیم و عیسی اکنون شروع به جمع‌بندی مطالب در اورشلیم می‌کند.

تصور کنید که عید فصح بسیار نزدیک است، زائران بیشتری به شهر می‌آیند، اورشلیم کاملاً پرجمعیت می‌شود و او و شاگردانش شروع به فکر کردن در مورد عید فصح می‌کنند. اکنون، بدون اطلاع شاگردان، خیانت عیسی نزدیک است. لوقا اکنون تمرکز ما را در فصل ۲۲ معطوف می‌کند تا ما را به سمت شام آخر، آمادگی برای شام آخر و چگونگی خیانت به عیسی سوق دهد.

در این سخنرانی خاص، من بر وقایعی که منجر به شام آخر شد تمرکز می‌کنم و سپس تا زمانی که به او خیانت خواهد شد، ادامه می‌دهم. بنابراین، بیایید از فصل ۲۲ از آیات ۱ تا ۱۳ شروع به خواندن کنیم، و من خواندم. اکنون، عید فطیر که به عید فصح معروف است نزدیک می‌شود، و کاهنان اعظم و کاتبان در جستجوی راهی برای کشتن او بودند.

زیرا از مردم می‌ترسیدند. آنگاه شیطان در یهودای مسمی به اسخریوطی که از جمله آن دوازده نفر بود، داخل شد. او رفت و با سران کاهنان و مأموران مشورت کرد که چگونه او را به آنها تسلیم کند.

و آنها خوشحال شدند و موافقت کردند که به او پول بدهند. بنابراین، او موافقت کرد و به دنبال فرصتی بود تا او را در غیاب جمعیت به آنها تسلیم کند. سپس روز عید فطیر فرا رسید که در آن بره فصح باید قربانی می‌شد.

عیسی پطرس و یوحنا را فرستاد و گفت: «بروید و شام فصح را برای ما آماده کنید تا بخوریم.» آنها پرسیدند: «کجا می‌خواهید برای ما آماده کنید؟» او به آنها گفت: «وقتی وارد شهر شدید، مردی با کوزه‌ای که آب به شما برخورد خواهد کرد. به خانه‌ای که او وارد می‌شود، از پی او بروید.»

و به صاحبخانه بگویید: «معلم به شما می‌گوید، اتاق مهمان کجاست تا من با شاگردانم فصح را در آنجا بخورم؟» او اتاق بزرگ و آماده‌ای را در طبقه بالا به شما نشان خواهد داد. آن را در آنجا آماده کنید. پس آنها رفتند و آن را همانطور که او گفته بود، یافتند و فصح را آماده کردند.

احتمالاً شما هم من را دیده‌اید یا شنیده‌اید که به عیسی اشاره می‌کنم که وقتی زمان ورود پیروزمندان فرا می‌رسید، شاگردانش را می‌فرستاد تا به دنبال فرقه بگردند. ما اینجا هم شاهد همین فرمول هستیم: او می‌داند که زمان عید فصح نزدیک است، دو نفر را می‌فرستد و با کلماتی واضح مردی را توصیف می‌کند که کوزه‌ای آب حمل می‌کند و قرار است با او ملاقات کنند. وقتی آنها با این مرد روبرو می‌شوند، به دنبال او می‌روند و

از او می‌خواهند که اتاق مهمانش را که فضای بزرگی در اتاق بالا است، برای برگزاری عید فصح در اختیار آنها قرار دهد.

این کار دشواری خواهد بود. به چند نکته که در لوقا آشکار می‌شود و در سایر انجیل‌ها ذکر نشده است، توجه کنید. می‌بینیم که مأموران قصد دارند به عیسی برسند

برخلاف موارد دیگری که مقامات به دنبال آن بودند، زبانی که استفاده شد نابودی عیسی بود. در اینجا، آنها در واقع قصد داشتند او را به قتل برسانند. این یک مسئله بسیار بسیار مهم است

این واقعاً مسئله‌ی بزرگی است. لوقا بیان می‌کند که هدف روشن است: کشتن او. توجه داشته باشید که همانطور که قبلاً اشاره کردم، وقتی به عید فصح فکر می‌کنیم، جمعیت زیادی به این شهر خواهند آمد که در آن زمان به بزرگی امروز ما نخواهد بود.

این شهر با آمدن زائران و یهودیان از نقاط مختلف جهان، شلوغ خواهد شد. یوسفوس به ما یادآوری می‌کند که باید انتظار داشت حدود دو و نیم میلیون نفر در طول عید فصح به این شهر بیایند. این تعداد در قرن اول میلادی بسیار زیاد خواهد بود.

با این حال، بله، این اتفاق است که قرار است در زمانی رخ دهد. یهودا آماده خیانت به عیسی خواهد بود اما لوقا به من و شما اشاره خواهد کرد که باید آگاه باشیم، همانطور که تئوفیلوس نیز می‌گوید، آنچه در وقایع خدمت عیسی آشکار است، تنها یک تلاش انسانی نیست.

اما در واقع، یک بُعد معنوی عمده در آنچه در حال وقوع است، وجود دارد. لوقا ابتدا به ما یادآوری کرد که در همان آغاز خدمت عیسی در فصل چهارم، او توسط شیطان وسوسه خواهد شد. و شیطان او را آزمایش خواهد کرد و او شکست خواهد خورد.

اما در اینجا، لوقا به ما یادآوری می‌کند که یهودا تحت تأثیر شیطان قرار خواهد گرفت. بله، خود یهودا باید مسئول کارهایی باشد که انجام خواهد داد. اما لوقا نمی‌خواهد این واقعیت را از دست بدهد که یک نفوذ معنوی بر یهودا وجود دارد تا سعی کند عیسی را به مردم خیانت کند.

یهودا از این نظر که رضایت می‌دهد، همدست است؛ او با رهبری که حاضر به دریافت پول از آنها شده بود، موافقت می‌کند. او سعی خواهد کرد زمانی را تعیین کند که مناسب‌ترین زمان برای خیانت یا افشای عیسی به آنها باشد. همانطور که در این روایت می‌بینیم، کاهن اعظم و افسران، افسران یهودی، از اینکه یهودا آماده انجام این کار بود، خوشحال بودند.

بنابراین، آنها به او پول پیشنهاد دادند. لوقا می‌خواهد در روایتی که من خواندم تأکید کند که عید فصح در مرکز این ماجرا قرار دارد و می‌خواهد شما بدانید. او در متنی که من فقط برای شما ذکر کردم، شش بار بر عید فصح تأکید یا به آن اشاره می‌کند.

عید فصح اهمیت دارد. چرا؟ زیرا عید فصح قبل از معبد دوم یهودیت، یادآور رهایی قوم خدا از سرزمینی است که در آن به بردگی گرفته شده بودند، در آن شبی که فرشته مرگ از آنجا گذشت و آنها چنان عجله‌ای برای خروج داشتند که این غذای سریع را آماده کردند. شما روایت خروج را که در اینجا به آن اشاره می‌شود. یا وقتی در مورد عید فصح صحبت می‌کنیم به آن اشاره می‌شود، می‌شناسید.

اما در دوره پس از تبعید در یهودیت معبد دوم، عید فصح به زمانی برای بزرگداشت گذشته و همچنین تجسم انتظارات مسیحایی آینده تبدیل شد، زمانی که مسیح برای نجات قوم خدا خواهد آمد. خب، عیسی گفت، در روایت لوقا، چیزی که ما در اینجا می‌بینیم این است که آنها برای عید فصح آماده می‌شوند. یهودیان از سراسر جهان به این مکان خواهند آمد.

بله، رستگاری خدا قرار است اینجا بیاید. اما بیایید ببینیم که چگونه این اتفاق می‌افتد، همانطور که عیسی و شاگردانش آماده می‌شوند. دو نفری که مدیران تدارکات بودند، پطرس و یوحنا، برای آماده شدن برای آن مکان فرستاده شدند.

در حین آماده‌سازی، این مشاهدات سریع را انجام می‌دهیم. باید توجه داشت که شباهت‌های موجود بین ورود پیروزمندانه و عید فصح از نظر فرستادن دو شاگرد، دلیلی است که برخی گفته‌اند رفتن به دنبال فرقه کاری بوده که شاید یوحنا و پطرس انجام می‌داده‌اند. نکته دیگری که در روایتی که خواندم مشاهده می‌کنید، توانایی عیسی در پیش‌بینی این است که شخصی ظاهر می‌شود، آنها با آن شخص ملاقات خواهند کرد، مکان به وضوح توصیف شده است و آن شخص نیز با درخواست آنها موافقت کرده و مکانی را برای برگزاری عید فصح به آنها پیشنهاد داده است.

نکته دیگری که در لوقا در روایت این موضوع پیدا می‌کنیم و در سایر انجیل‌ها نمی‌یابیم این است که لوقا به چراغ عید فصح به عنوان بخش بسیار مهمی از آنچه در حال وقوع است اشاره می‌کند. معمولاً عید فصح یک خانواده را دور هم جمع می‌کند. ممکن است 20 نفر باشید، و برخی می‌گویند بین 12 تا 20 نفر، و یک چراغ کامل قربانی می‌شود و برای غذای عید فصح استفاده می‌شود.

چراغی خواهد مرد. چراغ جهان در این عید فصح خاص، جان خود را از دست خواهد داد. یکی دیگر از چیزهایی که در لوقا می‌بینیم و دیگر نویسندگان انجیل آن را متفاوت نوشته‌اند، این واقعیت است که لوقا در لوقا، عیسی کسی است که پطرس و یوحنا را به رفتن برای آماده کردن مکانی برای آنها ترغیب می‌کند.

در انجیل‌های دیگر، شاگردان نزد عیسی می‌آیند تا در مورد اینکه آیا باید جایی برای آماده شدن پیدا کنند یا نه، بحث کنند. به عبارت دیگر، وقتی مردم وارد شهر می‌شوند، برایشان روشن می‌شود که باید جایی برای آماده شدن برای عید فصح پیدا کنند. آنها آن اتاق بزرگ را رزرو کردند و سپس لوقا از آیات ۱۴ تا ۲۳ ادامه می‌دهد تا کمی بیشتر در مورد عید فصح به ما بگوید.

از آیه ۱۴، وقتی ساعت فرا رسید، او و شاگردانش بر سر سفره نشستند. و به ایشان گفت: «من بی‌نهایت آرزو داشتم که پیش از رنج کشیدنم، این فصح را با شما بخورم. زیرا به شما می‌گویم، تا زمانی که در «پادشاهی خدا به کمال نرسد، نخواهم خورد».

و جامی برداشت و پس از شکرگزاری، گفت: «بگیرید، این را بگیرید و بین خود تقسیم کنید. زیرا به شما می‌گویم که از این پس تا زمانی که پادشاهی خدا نیاید، از میوه مو نخواهم نوشید.» و نان را برداشت.

و پس از شکرگزاری، آن را پاره کرد و به ایشان داد و گفت: «این بدن من است که به شما داده می‌شود. این را به یاد من انجام دهید.» و به همین ترتیب، جام را پس از خوردنشان گفت: «این جام که برای شما ریخته می‌شود، عهد جدیدی است در خون من.»

اما اینک، دست کسی که به من خیانت می‌کند با من در سفره است. برای پسر انسان، این مقدر شده است. اما وای بر کسی که به او خیانت می‌کند. و آنها شروع به پرسیدن از یکدیگر کردند که کدام یک از آنها می‌تواند این کار را انجام دهد.

قبل از اینکه بیشتر در این مورد توضیح دهم و چند تشبیه را به شما نشان دهم، به آیه ۱۶ یا شاید آیه ۱۷ توجه کنید. عیسی در مورد جام شکرگزاری خواهد کرد. او جام را گرفت و سپس شکرگزاری کرد.

و سپس دوباره در آیه ۲۰ متوجه چیزی می‌شوید. او جام را گرفت و گفت: «این جام. «بنابراین در لوقا، جام دو بار متبرک شده است.

دومین اشاره در فصل ۲۰، در آیه ۲۰، مربوط به بعد از خوردن آنهاست. حال، این فکر را در ذهن داشته باشید و ادامه دهیم. وقتی به عید فصح فکر می‌کنید، بیایید چند نکته سریع را بررسی کنیم.

برخلاف مرقس که درباره شبی که فرا رسید صحبت می‌کند، لوقا نمی‌خواهد به خودی خود درباره آن شب صحبت کند، بلکه می‌خواهد دقیقاً اشاره کند که آن زمان، زمانی بود که آنها می‌توانستند عید فصح را برگزار کنند. لوقا همچنین می‌خواهد به ما یادآوری کند که افرادی که با عیسی هستند باید به عنوان رسولان شناخته شوند. در اینجا، لوقا کلمات خود را با دقت انتخاب می‌کند.

او نمی‌خواهد از آنها به عنوان دوازدهمین نفر یاد کند، زیرا ممکن است یهودا به آنها خیانت کند و آنها یهودا را از دست بدهند. او همچنین اعلام می‌کند که این آخرین وعده غذایی او با آنها خواهد بود و او رنج خواهد کشید، اما این آخرین وعده غذایی قبل از پادشاهی خدا خواهد بود. نگاهی دقیق به این روایت، آنچه را که قبلاً مشاهده کردم نشان می‌دهد: لوقا در ذکر اینکه عیسی دو بار جام را متبرک کرد، کاملاً منحصر به فرد است.

ابتدا، او جام را برداشت و شکرگزاری کرد، و سپس پس از غذا، دوباره جام را برداشت، و دو بار در سخنرانی شام فصح به پادشاهی خدا اشاره کرد. نکته دیگری که در لوقا می‌بینید و در سایر انجیل‌ها نمی‌بینید، قابل توجه است - عمل نیابتی عیسی.

وقتی عیسی شکرگزاری می‌کند و درباره نان صحبت می‌کند، درباره نانی که به نمایندگی از آنها برای شما خرد می‌شود صحبت خواهد کرد و سپس خون او برای شما ریخته خواهد شد. لوقا همانطور که در شام عید فصح می‌بینیم، یک مؤلفه الهیاتی یا نجات‌بخش برای این عمل نیابتی دارد. در اینجا، عیسی پیش‌بینی می‌کند که خائن او با آنها شام می‌خورد، اما وای بر این کسی که برای خیانت به آنها آماده شده است.

با این اوصاف، پیش از این، لوقا اشاره کرد که شیطان برای انجام این کار وارد یهودا شده بود. شیطان در خدمت عیسی در پادشاهی خدا بسیار فعال است. همانطور که در سخنرانی‌های قبلی اشاره کردم، باید کیهان‌شناسی روح لوقا را درک کرد.

پادشاهی خدا فرا می‌رسد، و پادشاهی خدا در تضاد با پادشاهی تاریکی، پادشاهی شیطان است، و شیطان تمام تلاش خود را می‌کند تا کار پادشاهی خدا را تضعیف کند. این در غیاب مسئولیت انسانی نیست، بلکه وقتی انسان‌ها از خود مایه می‌گذارند، روح شیطان از آنها استفاده می‌کند، یا روح خدا از آنها استفاده می‌کند. حال، با بازگشت به عید فصح، این وعده غذایی و رویداد عید فصح به بخش مهمی از مقدسات مسیحی تبدیل خواهد شد.

بیایید نگاهی سریع بیندازیم و روایت لوقا را با روایت مرقس و متی مقایسه کنیم تا بتوانیم در مورد این رویداد مهم در سنت مسیحی خود نکاتی را بیان کنیم. وقتی به روایتی که لوقا در مورد عیسی ارائه می‌دهد نگاه می‌کنیم، قبلاً به شما اشاره کردم که لوقا دو بار جام را متبرک می‌کند و دو بار از پادشاهی خدا نام می‌برد.

اما نکته دیگری که باید در اینجا به آن توجه کنید این است که لوقا تنها کسی است که به این عمل نیابتی اشاره می‌کند.

این بدن من است که به شما داده شده است. متی فقط می‌گوید این بدن من است و مرقس می‌گوید این بدن من است. لوقا تنها کسی است که در مورد خون من می‌گوید که حتی خون برای شما ریخته می‌شود.

لوقا تنها کسی است که به این موضوع اشاره می‌کند. نکته دیگری که در مرقس و متی متوجه می‌شوید مربوط به خون است؛ آنها از عهد و پیمان یاد می‌کنند. لوقا تنها کسی است که به عهد جدید در خون من اشاره می‌کند.

با این حرف‌ها به کجا می‌رسم؟ می‌خواهم توجه شما را به این واقعیت جلب کنم که لوقا تنها کسی نیست که جزئیات فرمول مسیحی برای شام آخر را به ما می‌دهد، اما لوقا تنها کسی نیست که تاریخ جامع اوایل مسیحیت را در انجیل لوقا و اعمال رسولان به ما می‌دهد، بلکه لوقا ردپای محکمی از آنچه که بخشی از آیین‌های مقدس ما خواهد شد، نیز به جا می‌گذارد. همچنین در تشبیهی که مطرح کردم متوجه شدید که لوقا تنها کسی است که به یاد من به آن اشاره می‌کند. به عبارت دیگر، اگر مرقس و متی را در نظر بگیرید، ممکن است فقط در مورد جام و نانی که تکه می‌شود بخوانیم، اما ممکن است در مورد لزوم انجام این کار به یاد عیسی چیزی نشنویم، چیزی که اگر بخشی از سنت نبود، سنت مسیحی ما از آن بسیار بسیار ناراحت می‌شد.

به عبارت دیگر، هر زمان که به دنبال روایتی از انجیل هستید که در مورد عشای ربانی یا مراسم عشای ربانی به یاد مسیح صحبت می‌کند، تنها انجیلی که در واقع به آن اشاره می‌کنید لوقا است. از سوی دیگر، کتاب اعمال رسولان در مورد همکاری لوقا و پولس در خدمت به ما می‌گوید. می‌توان شباهت‌های زیادی بین روایت لوقا و روایت پولس در اول قرن‌تین یافت.

در اول قرن‌تین ۱۱، آیات ۲۳ تا ۲۶، وقتی به آن نگاه می‌کنید و آن را با لوقا مقایسه می‌کنید، می‌بینید که لوقا می‌نویسد، و وقتی شکرگزاری کرد، جامی برداشت و گفت، این را بگیرید و بین خود تقسیم کنید. و سپس ادامه می‌دهد، اگر به تشبیهی که در لوقا برای شما برجسته کردم نگاه کنید، او گفت، و نانی برداشت و وقتی شکرگزاری کرد، آن را شکست و به آنها داد و گفت، این بدن من است که برای شماست. این را به یاد من انجام دهید.

این لوقا است. بیایید به تشبیه پولس نگاه کنیم. او نان را گرفت و پس از شکرگزاری، آن را پاره کرد و گفت: «این بدن من است که برای شما آماده شده است»

این را به یاد من انجام دهید. می‌بینید که بین لوقا و پولس یک تشابه مستقیم وجود دارد. نکته دیگری که اینجا می‌بینید و من بر آن تأکید می‌کنم این واقعیت است که پولس در مورد «به یاد من» صحبت می‌کند و لوقا نیز به «به یاد من» اشاره می‌کند.

همچنین متوجه می‌شوید که پولس درباره عهد جدیدی در خون من صحبت می‌کند و لوقا درباره عهد جدیدی در خون من. عمل نیابتی «برای تو» و «و» برای تو «یک بار توسط پولس ذکر شده است و شما باید این کار را به یاد او انجام دهید. کاری که لوقا در اینجا انجام می‌دهد باید به ما یادآوری کند که وقتی به عهد جدیدی فکر می‌کنیم، این عهد، الهیات لوقا در مورد عید فصح را ایجاد می‌کند و نحوه تفکر ما در مورد عهدی ربانی امروز را شکل می‌دهد.

حال، چیزی که من در این سخنرانی نمی‌گویم این است که آیا لوقا همذات‌پنداری، همذات‌پنداری را ترویج می‌دهد یا خیر. تنها چیزی که ما در لوقا و پولس می‌بینیم این است که این کار را به یاد من انجام دهید. اینکه این یادآوری به چه معناست، از یک آموزه فرقه‌ای به آموزه فرقه‌ای دیگر مورد بحث است.

اینکه آیا عناصر به بدن واقعی و خون واقعی عیسی تبدیل می‌شوند یا خیر، موضوعی است که به الهیات فرقه‌ای مربوط می‌شود. روایت لوقا، در مقایسه با سایر انجیل‌ها و پولس، این موضوع را نشان می‌دهد. لوقا کسی است که به دو برکت جام و دو اشاره به پادشاهی خدا اشاره می‌کند.

متی و مرقس به این موضوع اشاره نمی‌کنند. آنها فقط به یک دعای خیر برای جام و یک دعای خیر برای نان اشاره می‌کنند. عیسی نان را گرفت، شکر کرد و آن را پاره کرد.

در اول قرن‌های ۲۴:۱۱، یک شباهت مستقیم با این وجود دارد، و انجام این کار به یاد من، با روایت پولس در اول قرن‌های ۲۴ و آنچه در مرقس ۱۴ و متی ۲۶ می‌یابیم، مشابه است. آنها به عهد اشاره می‌کنند، و لوقا و پولس به عهد جدید اشاره می‌کنند. سپس عید فصح به مکانی تبدیل می‌شود که در آن به یاد می‌آوریم که در هفته مصائب در تقویم مسیحی و الهیات مسیحی ما چه اتفاقی خواهد افتاد، به شکلی قابل توجه، جایی که بدنی که برای ما شکسته می‌شود با نانی که آن شب خورده شد و خونی که برای بخشش گناهان ریخته شد با جامی که نوشیده خواهد شد، مرتبط خواهد بود. عیسی، در عید فصح، در روایت لوقا، مانند یک فیلسوف رفتار کرد، جایی که مانند فیلسوفان، مانند یک سمپوزیوم غذا می‌خورد و شام می‌خورد و سخنانی بزرگی ارائه می‌دهد.

عیسی شروع به گفتگو با این افراد کرد، اما این یکی خیلی جالب است. این یک سوال در مورد بزرگی و عظمت است. من همیشه در خواندن انجیل‌ها گیج می‌شوم وقتی مادری را می‌بینم که سعی می‌کند برای فرزندان یا شاگردانش برای مقام‌های بالا مذاکره کند، و به این فکر می‌کند که قرار است چه کسی باشد، و معمولاً زمان‌بندی برای من مناسب نیست.

نزدیک است که به عیسی خیانت شود. او همین الان گفت که به او خیانت خواهد شد. وای بر کسی که از او برای این کار استفاده شود، اما درست در همان عید فصح، ببینید که اختلاف از کجا سر بر می‌آورد.

آیه ۲۴: همچنین در میان ایشان اختلافی درگرفت که کدام یک از ایشان بزرگتر شمرده می‌شود. و او به ایشان گفت: پادشاه امت‌ها بر ایشان سروری می‌کرد و صاحبان قدرت بر ایشان نیکوکار خوانده می‌شدند. اما شما چنین نباشید. بلکه بگذارید بزرگترین شما، کوچکترین باشد.

و رهبر را همچون کسی که خدمت می‌کند، بگذارید. زیرا چه کسی بزرگتر است، کسی که بر سر سفره می‌نشیند یا کسی که خدمت می‌کند؟ آیا آن کسی که بر سر سفره می‌نشیند بزرگتر نیست، بلکه من در میان شما هستم، یعنی خود عیسی، همچون کسی که در عید فصح همانجا خدمت می‌کند؟ شما کسانی هستید که در آزمایش‌های من با من ماندید، و من همانطور که پدرم به من پادشاهی سپرد، به شما واگذار می‌کنم تا در پادشاهی من بر سر سفره من بخورید و بنوشید و بر تخت‌ها بنشینید و دوازده قبیله اسرائیل را داوری کنید، همانطور که برخی می‌گویند در کتاب اعمال رسولان بیشتر آشکار خواهد شد.

مشاهدات سریع در اینجا: بحث در مورد عظمت، واکنشی از سوی عیسی را برانگیخت و این واکنش برای عیسی به شکل آموزش، در این گفتگوی سمپوزیوم‌گونه قرار می‌گیرد که باید تاثربرانگیز باشد. اصلاً نباید اینطور باشد، اینطور نیست؟ اما بله، شاگردان، مانند بسیاری از رهبران مسیحی امروز، دوست دارند حتی در زمان نامناسب به عظمت فکر کنند. عیسی آنها را به چالش می‌کشد تا متوجه شوند و به صورت متضاد فکر

کنند. او استدلال می‌کند که رهبران این جهان مانند پادشاهانی رهبری می‌کنند که بر رعایای خود تسلط دارند و رعایا از آنها به عنوان نیکوکار یاد می‌کنند.

آنها دوست دارند این عظمت و چیزهای دوست داشتنی دیگران را داشته باشند، اما در پادشاهی خدا، او این تضاد را ایجاد می‌کند. کسانی که می‌خواهند بزرگتر یا بزرگترین باشند، باید جوانترین باشند. بگذارید مکث کنم و توضیح دهم.

وقتی عیسی کلمه جوان‌تر را در مقابل بزرگتر به کار برد، برخی تعجب کردند که منظور او چه بوده است. حال، اجازه دهید با برخی مطالعات فرهنگی وارد شوم. در آن فرهنگ، سن با خرد و اهمیت مرتبط است و کودکان هیچ اهمیتی ندارند. کودکان یا افراد جوان‌تر قرار است از جایگاه پایین‌تری برخوردار باشند، همانطور که در برخی فرهنگ‌های امروزی، درست است که سن کم به این معنی است که باید به بزرگتر خدمت کنید.

در فرهنگ خودم در غنا، بعضی از دوستانم وقتی با آنها به مدرسه می‌رفتم، به خاطر اینکه کوچکترین فرزند بودم، مرا مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. من اینجا از کلمه قلدرمآبانه به شیوه‌ای بسیار ملایم استفاده می‌کنم، اما وقتی در خانه هستم، آنها از این واقعیت که می‌توانند از من بخواهند برایشان آب بیاورم، لذت می‌برند. می‌توانند از من بخواهند انواع کارها را انجام دهم و از نظر فرهنگی از من انتظار می‌رود که از آنها پیروی کنم. جوان بودن به این معنی است که شما به طور خودکار مطیع بزرگتر هستید.

عیسی می‌گوید اگر می‌خواهید در پادشاهی خدا بزرگتر باشید، قرار است به این تضاد نگاه کنید. کسی که می‌خواهد بزرگترین باشد، باید ذاتاً از نظر تولد جوان‌ترین خدمتگزار باشد و به دلیل جایگاه شما نسبت به مردمی که با آنها هستید، موظفید به آنها خدمت کنید. او در ادامه می‌گوید کسانی که می‌خواهند در دنیای سکولار بزرگتر باشند، بر آنها حکومت می‌کنند، اما در پادشاهی او، ترجیح می‌دهند خدمت کنند.

کسی که بزرگتر است کسی نیست که بر سر سفره می‌نشیند، بلکه کسی است که همانطور که عیسی ظاهراً در مقطعی به شاگردان خدمت می‌کرد، خدمت می‌کند. عیسی به آنها در مورد اصول رهبری و خدمت در پادشاهی گفته بود و سپس می‌توانست به آنها اختیار دهد تا ۱۲ قبیله اسرائیل را به عنوان رهبر داورى کنند. برخی از محققان و مفسران گفته‌اند که این همان اتفاقی خواهد بود که در کتاب اعمال رسولان رخ خواهد داد، زمانی که متیاس جایگزین یهودا می‌شود و آن ۱۲ نفر برای رهبری مأموریت خدمت پادشاهی بازگردانده می‌شوند. برخی دیگر خلاف این را گفته‌اند.

ما مطمئن نیستیم که این وقایع ما را به چه چیزی نزدیک‌تر خواهد کرد، اما توجه داشته باشید که در اینجا در مورد رهبری، عیسی ما را به رهبری خدمتگزار فرا می‌خواند، نه رهبری رئیس‌مآبانه. او با یک سخنرانی خداحافظی ادامه می‌دهد که در آن پطرس وارد بحث می‌شود.

«ای شمعون، شمعون، اینک شیطان، شیطان دوباره از تو خواسته است که تو را مانند گندم غربال کند» اما من برای تو دعا کرده‌ام که ایمانت از بین نرود و وقتی برگشتی، برادرانت را تقویت کنی. «پطرس به او گفت: «خداوند، من آماده‌ام که با تو به زندان و مرگ بروم.» عیسی گفت: «به تو می‌گویم، پطرس، امروز خروس بانگ نخواهد زد تا اینکه سه بار انکار کنی که مرا می‌شناسی.» و او به آنها گفت: «وقتی تو را بدون پول یا کوله پشتی یا کفش فرستادم، آیا چیزی کم داشتی؟» آنها چیزی نگفتند.

او به آنها گفت اما اکنون هر که پول دارد، آن را پس بگیرد و همچنین یک کوله پشتی، و هر که شمشیر دارد، ردای خود را بفروشد و یکی بخرد، زیرا به شما می‌گویم که این مخلوق باید تحقق یابد و او از خطاکاران شمرده شد، زیرا آنچه درباره من نوشته شده است، تحقق یافته است و او گفت: ببینید، اینجا دو شمشیر است و آنها به آنها گفتند که کافی است. عیسی در این وداع می‌خواهد به بُعد دیگری در اینجا اشاره کند.



بر او ظاهر شد و او را تقویت کرد. او در حالی که درد می کشید، با جدیت دعا کرد و عرق او مانند قطرات خون بر زمین می ریخت. وقتی از دعا برخاست، نزد شاگردان آمد و دید که از غم در خواب هستند.

و از آنها پرسید که چرا خوابیده اند. برخیزید و دعا کنید تا در وسوسه نیفتید. در جلسه دعای دردناک خود عیسی بر فراز کوه زیتون است. در اینجا، باید به این واقعیت توجه کرد که در لوقا، عیسی یا لوقا از جتسیمانی نام نمی برد، یا لوقا از باغ یاد نمی کند، و لوقا از باغ یاد نمی کند.

نکته دیگری که اینجا مطرح می شود این است که قبل از اینکه عیسی برای دعا برود، لوقا می خواهد به ما بگوید که او از شاگردان نیز خواسته است که دعا کنند. به عبارت دیگر، اگر ایمان پطرس به دلیل دعا حفظ شد، اکنون که آنها در جایی هستند که دعا کاری است که او قرار است انجام دهد، او می خواهد شاگردان نیز در دعا شرکت کنند. نباید زبان سنگی که دور انداخته می شود را بدیهی فرض کرد.

این لحن نشان می دهد که لوقا به ما می گوید که عیسی در فاصله شنوایی و در فاصله بینایی قرار داشت. به عبارت دیگر، وقتی او در دعا به سختی دعا می کرد، آنها می توانستند صدای او را بشنوند و او را ببینند. بنابراین، وقتی او ادامه می دهد که عیسی دعا خواهد کرد که اگر اراده پدر باشد، جامی از او برداشته شود.

نباید فراموش کرد که هدف او این است که بگوید این لحظه، لحظه ای حساس برای عیسی است. و همانطور که او دعا می کرد، شاگردانش او را می دیدند، صدایش را می شنیدند، شاگردان متوجه می شدند که او واقعاً دوران بسیار بسیار سختی را می گذراند. ما نمی خواهیم از آنچه در این زمان دردناک دعا در حال وقوع است، غافل شویم.

اما نباید از تأکیدات مختلفی که لوقا در این گفتگو مطرح می کند، غافل شد. در واقع، آن زمان، زمان دعای طاقت فرسایی بود و او به ما خواهد گفت که وقتی به شاگردان و مبارزات آنها فکر می کنیم، خود عیسی مبارزات بیشتری را پشت سر خواهد گذاشت. لوقا هنگام دعا متوجه این موضوع شد و آن را برای ما ذکر کرد.

عیسی در دعای دردناک خود که از خدا می خواست دعایش را بشنود و فرشته ای بفرستد تا بیاید و او را تقویت کند، خسته شده بود. یک دقیقه مکث کنید و فکر کنید. انجیل لوقا یکی از انجیل هایی است که در روایت دوران نوزادی او، فرشتگان حضور زیادی دارند.

فرستادگان خدا، و در اینجا فرشته ای می آید تا عیسی را تقویت کند، زیرا او دعا می کند که اگر اراده خدا باشد، جام برداشته شود. پس از آن تقویت فرشته، لوقا به ما می گوید که او همچنان با جدیت بیشتری دعا می کند. و در اینجا می خواهم نکته ای را روشن کنم.

لوقا نمی گوید که عیسی خون یا قطرات خون عرق می کرد. لوقا بیان می کند که عرق عیسی راهی بود که عرق از بدنش خارج می شد. یک ورزشکار متوجه می شود که گاهی اوقات مانند قطرات خون است.

او نگفت که قطرات خون از دهانش جاری است، همانطور که اغلب از پیامبر می شنویم. در لوقا، شاگردان به دلیل تنبلی نمی خوابیدند. بلکه به این دلیل می خوابیدند که غم و اندوه بر آنها غلبه کرده بود، زیرا می توانستند صدای عیسی را بشنوند و او را ببینند.

غم و اندوه شدید بود. لوقا می گوید که آنها به دلیل غم و اندوه به خواب رفتند. حال، در جای دیگری اینطور خوانده می شود که گویی آنها به دلیل اینکه آدم های بدی هستند به خواب رفتند. لوقا با ظرافت

سعی می‌کند به انسانیت این شاگردان اشاره کند، در حالی که آنها در این روزهای سخت در اورشلیم با عیسی دست و پنجه نرم می‌کنند.

انگار که شام عید فصح رو به پایان است. انگار همه چیز دارد در زمان خلاصه می‌شود. اما نه، زمان خیانت نزدیک است.

در حالی که او هنوز سخن می‌گفت، به عبارت دیگر، در حالی که آنها هنوز بر سفره نشسته بودند و غذا می‌خوردند، و او هنوز در خواب بود که سخن می‌گفت، جمعیتی آمدند و مردی به نام یهودا، یکی از آن دوازده نفر، آنها را رهبری می‌کرد. او به عیسی نزدیک شد تا او را ببوسد. اما عیسی به او گفت: یهودا، آیا پسر انسان را با بوسه‌ای از اطرافیانش تسلیم می‌کنی؟

پس چه خواهد شد؟ آنها گفتند: «خداوند، آیا با شمشیر بزنیم؟» و یکی از آنها غلام کاهن اعظم را زد و گوش راستش را برید. اما عیسی گفت: «نه، دیگر از این حرف‌ها نزن.» و گوش او را لمس کرد و شفا داد. سپس عیسی به کاهن اعظم و مأموران معبد و بزرگانی که به مقابله با او آمده بودند، گفت: «آیا شما با «شمشیر و چماق به مقابله با یک دزد آمده‌اید؟»

وقتی هر روز در معبد با شما بودم، دست بر من دراز نکردید، اما این ساعت شماست و قدرت تاریکی. آنچه عیسی در اینجا می‌گوید این است: زمان مناسب فرا رسیده است، زمان آن فرا رسیده است و پسر انسان به او خیانت خواهد شد. در لوقا، یهودا به عیسی بوسه‌ای نمی‌دهد.

در لوقا، یهودا مردم را رهبری کرد و به عیسی اشاره کرد که او را ببوسند. وقتی عیسی از او پرسید که آیا با بوسه به او خیانت می‌کند یا نه. کاهنان اعظم، مأموران معبد و بزرگان کسانی هستند که در لوقا مسئول دستگیری عیسی شناخته شده‌اند.

این گروه بزرگی از رهبران نیستند. رهبران یهودی در اورشلیم کسانی هستند که مسئول دستگیری او هستند نه همه یهودیان. عیسی اجازه واکنش خشونت‌آمیز به دستگیری او را نمی‌دهد و حتی در ادامه افرادی را که وارد شده بودند مسخره می‌کند و سعی می‌کند به آنها یادآوری کند که اگر فصل 20 را به خاطر داشته باشید، من به شما می‌گفتم که آنها او را در همان گروهی از مردم درگیر می‌کردند و از او می‌پرسیدند که با چه مجوزی به قیصر مالیات می‌دهید و رستاخیز مردگان چیست. عیسی گفت که من با شما در یک معبد بودم. مشکل شما چیست؟ شما به اینجا آمدید انگار که می‌خواهید این کسی را که این سربازان را برای جنگیدن دارد، دستگیر کنید. شما خیلی آماده هستید، اما به واکنش شاگردان و آنچه همه نویسندگان انجیل ثبت کرده‌اند توجه کنید که عیسی حتی در دستگیری خود، برده‌ای را که گوشش بریده شده بود، شفا خواهد داد، توسط عیسی شفا خواهد یافت، اما باید بدانید که فقط یوحنا در روایت خود ثبت کرده است که کسی که گوش را خواهد برید، شمعون پطرس و برده‌ای که گوشش بریده خواهد شد، مرقس خواهد بود.

لوقا به این موضوع اشاره نمی‌کند، اما دوستان، در پایان این جلسه، اجازه دهید نکته‌ای را به شما یادآوری کنم. عیسی در حال برگزاری جشن فصح با شاگردانش بود و سخت‌ترین اتفاق ممکن رخ داد. یکی از افراد خودش به او خیانت خواهد کرد.

یکی از افراد خودش به او خیانت خواهد کرد. اما قبل از اینکه خیلی زیاده‌روی کنید، این را به یاد داشته باشید. لوقا همچنین انسانیت ما را به ما یادآوری می‌کند.

او توجه ما را به این واقعیت جلب می‌کند که ما در برابر نفوذ شیطان آسیب‌پذیر هستیم تا از عیسی دست بکشیم و انواع کارهایی را که نباید انجام دهیم، انجام دهیم. زیرا او به ما یادآوری می‌کند که این شیطان بود

که وارد وجود یهودا شد تا به عیسی خیانت کند. او به ما یادآوری می‌کند که شیطان می‌خواست همین کار را با پطرس انجام دهد و پطرس برای او دعا کرد.

لوقا به ما یادآوری می‌کند که خود عیسی، در این دوران سخت، مکانی برای آرامش می‌دید تا در دعا از خدا طلب قدرت کند، قدرتی که تا حدی مورد نیاز است که فرشته‌ای بیاید و او را تقویت کند. در هفته مصائب، فراموش نکنیم که عید پاک پس از عید پاک، بخشی از این روایت را خواهیم خواند، اما خیلی زود آن را فراموش می‌کنیم. این روایت به ما یادآوری می‌کند که بدون کمک خدا ضعیف هستیم.

ما بدون دعا در معرض سقوط هستیم. ما بدون قدرتی که خدا می‌دهد، در معرض انواع نفوذهای قرار می‌گیریم. اگر پطرس برای ایستادن به دعا نیاز داشت، اگر عیسی برای ایستادن به دعا نیاز داشت و همچنان ادامه می‌داد، پطرس همچنان انکار می‌کرد که عیسی را می‌شناسد و همچنان عیسی را در دعای خود داشت، تا جایی که به کمک نیاز داشت.

فکر می‌کنم من و شما هم به کمک نیاز داریم. این به معنای نادیده گرفتن مسئولیت انسانی‌مان نیست، اما بیایید با ورود به هفته مصائب مسیح به خودمان یادآوری کنیم، ما هفته مصائب را از اینجا شروع می‌کنیم و بعداً چند سخنرانی خواهیم داشت تا بقیه را پوشش دهیم. بیایید به یاد داشته باشیم که ما آسیب‌پذیر هستیم و به خدا نیاز داریم و تنها به لطف اوست که می‌توانیم به هر کجا که او می‌خواهد برویم.

اما مهم‌تر از همه، به عیسی خیانت می‌شود نه به خاطر کاری که انجام داده، بلکه به خاطر کاری که شیطان می‌خواهد انجام دهد و به خاطر کاری که افرادی مانند یهودا حاضرند برای خیانت به او انجام دهند. برای چه؟ این سوال خوبی است. همه اینها برای این است که گناهان من و شما بخشیده شود، زمانی که کسی که به او خیانت شده به صلیب می‌رود و بدهی‌ای را که نداشته و جرمی را که مرتکب نشده، می‌پردازد و گناهی را که در آن همدست نبوده، اما من و شما در آن مقصر بوده‌ایم، به دوش می‌کشد.

باشد که خداوند به ما کمک کند و عیسی مسیح را به خاطر توانایی و تمایلش برای رفتن تا پای صلیب به خاطر ما، در آغوش گرفته و دوست داشته باشیم، و ما در حین گذراندن این سخنرانی‌ها، با کمی شفقت و خودآگاهی به یهودا و پطرس نگاه خواهیم کرد. بسیار سپاسگزارم، و باشد که خداوند شما را به خاطر دنبال کردن این مجموعه با ما، بسیار برکت دهد. متشکرم.

این دکتر دانیل کی. دارکو در حال تدریس در مورد انجیل لوقا است. این جلسه ۳۲، عیسی در اورشلیم، بخش ۲، شام آخر و خیانت، لوقا ۲۲: ۱-۵۳ است.